



عکس تئوینی است/ ایرنا

## آوازه جویان بی سازمان، نظامیان به سازمان

مجید فضائی \*

روزنامه نگار

چند سالی است که الگوهای ساخته شده در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، برای بخش‌های مختلفی از جامعه در حکم گروه مرجع قرار گرفته‌اند و ایفای نقش می‌کنند. این افراد به دلایل مختلفی ممکن است تبدیل به «آوازه‌جو» - سلبریتی - شده باشند. برخی به دلیل ویژگی‌های ممتاز فردی، برخی بر اثر اتفاق و از سر اقبال و گروهی هم به واسطه تکنیک‌های برندسازی شخصی به چنین موقعیتی رسیده‌اند. خوانندگان و بازیگران و ستارگان عرصه هنر، سوژه‌های پر مخاطب شبکه‌های اجتماعی و برخی کارشناسان و افرادی که در قله کار حرفه‌ای خود نیستند، اما به واسطه رسانه‌های اجتماعی خود را مطرح کرده‌اند. از این جهت، میان نوید محمدزاده و امیرعباس کچلیک و علی‌اکبر رائفی‌پور تمایزی وجود ندارد. حرف این افراد و اعمال و افکارشان مورد توجه قرار می‌گیرد و این همان چیزی است که در علوم اجتماعی به آن گروه مرجع می‌گویند. فرد یا گروه مرجع در تعریف تخصصی به گروهی گفته می‌شود که در جریان تصمیم‌گیری‌ها، کنش‌ها و حتی شکل‌گیری نگرش انسان‌ها در جامعه، نقش آفرینند. این افراد یا گروه‌ها، مبنای معیار قضاوت و ارزیابی کنشگران اجتماعی قرار می‌گیرند و هنجارسازی می‌کنند.

موضوع نقش آفرینی این گروه در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سال‌های اخیر تاکنون مورد تحلیل‌های فراوانی قرار گرفته است. از درگذشت مرتضی پاشایی و تشییع جنازه دور از انتظارش تا دعوت برای رای دادن به نامزی خاص در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶. از کمپین برای نخریدن خودرو تا جمع‌آوری کمک برای زلزله‌زدگان کرمانشاه. از برقراری نمایشگاه نقاشی و عکس با نازل‌ترین سطح کیفی تا چاپ کتاب پست‌های اینستاگرامی. از همنوایی با جامعه

در ماجرای شهادت شهید محسن حججی و سپهبد قاسم سلیمانی تا انصراف دادن از حضور در جشنواره‌های هنری فجر. اینها بخشی از فراز و فرودهای آوازه‌جویان جامعه ایران است. نسبت آوازه‌جویان با خودشیفتگی، فردگرایی، کالایی شدن، مصرف‌گرایی و موضوعات دیگر بارها و بارها مورد بحث گذاشته شده و تحلیل‌های ارزشمندی درخصوص آنها وجود دارد. آنچه برای من در این نوشته اهمیت دارد، بی‌سازمان بودن این گروه مرجع است.

آوازه‌جویان، به دلیل ماهیت فردی و غیراجتماعی‌ای که دارند، امکان سازمان شدن ندارند. سازمان شدن به معنی تعریف یک‌سازوکار ارزشی، روشی و بینشی است. بنیاید این موضوع را در مصداق حوادث و رخدادهای ماه‌ها و روزهای اخیر بررسی کنیم. آوازه‌جویان، نظام ارزشی منسجمی ندارند. یعنی گزاره‌های معتبر نزد آنها، هم‌نوا و هم‌افزا نیست. در موارد متعددی متضاد می‌شوند. این خواننده به سبز و بنفش نبودنش افتخار می‌کند و آن بازیگر به سوگیری‌های سیاسی‌اش می‌نازد. یک آهنگساز به سیاه‌نمایی همکارانش در ماجرای حوادث آبان ۹۸ اعتراض می‌کند و آهنگسازی دیگر با انتشار عکسی از تجمیع غیرقانونی همدردی با شهیدای پرواز او کراین، توان و قدرت موشکی ایران را به سخره می‌گیرد. این فقط یک اختلاف نظر نیست. چه آن‌که در موارد بسیاری، دنبال‌کنندگان هر دو موضع را همراهی می‌کنند و اساساً احساس تناقض ندارند.

آوازه‌جویان از این جهت که سازمان‌پذیر نیستند، مسؤولیتی هم نمی‌توانند بپذیرند. حداکثر مسؤولیت‌پذیری‌شان، عذرخواهی فردی بوده و بدهی است که یک خطا، اگر با اصلاح روندها و علل و اسباب ایجاد اشتباه همراه نشود، باز هم تکرار خواهد شد. بازیگرانی که برای رای آوردن نامزد مورد پسند خود در سال ۹۶ گلولی خود را پاره و از همه ژست‌های جدایی هنر از سیاست پیشین خود عبول کردند، آن زمانی

که با افتضاح مدیریتی در ماجرای افزایش قیمت بنزین مواجه شدند، چه موضعی گرفتند؟ غیر از تعدادی انگشت‌شمار که از تبلیغی که انجام داده بودند عذرخواستند، بخش عمده‌ای از ایشان حتی به‌روی خود هم نیاوردند و متوجه نشدند که این وضعیت، ثمره تصمیمات مدیرانی است که آنها برای روی کار آمدنشان تلاش کرده‌اند.

در مقابل این بی‌سازمانی، تجربه پذیرفتن خطا از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بسیار درس‌آموز است. سازمان درست، هنگام مواجهه با خطا، پیش از احساسی شدن و عزل و نصب افراد، به فکر اصلاح روندها و رویه‌ها می‌افتد. این سازوکار می‌تواند مسؤولیت‌کدراهای خود را بپذیرد، عذرخواهی کند، خطایش را اصلاح کند و اعتماد خدشه‌دار شده‌اش را ترمیم کند. این که اکنون در وضعیتی هستیم که آوازه‌جویان بی‌سازمان، در برابر نظامیان به‌سازمان قرار گرفته‌اند، موقعیت بسیار پراهمیتی است. هرگز نباید شاکله سازمان نظامی ایران با تزلزل مواجه شود. ماجرای اخیر گرچه بسیار تلخ و تاسف‌بار بود، اما وجود یک سازمان منسجم در بخش نظامی را نشان می‌دهد؛ سازمانی که در برابر از دست دادن نیروی نخبه و بی‌بدیلی همچون سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی قد خم نکرد و با حمایت بی‌نظیر مردمی دست به بی‌سابقه‌ترین عملیات نظامی پس از جنگ دوم جهانی زد. شلیک ناخواسته به هواپیمای مسافربری اوکراینی موقعیت پرچالشی برای سازمان نظامی ایران پدید آورد، اما شاهد بودیم که این چالش بزرگ برای سازمان، به تأکید بر اصلاح روندها و غیرممکن شدن بروز چنین خطاهایی منجر شد.

خطاها و نقصان‌هایی هم البته در همین سازمان وجود دارد، اما باید تلاش کرد که این سازمان و نظم ساختاریافته، تبدیل به الگو و مرجع شود. بدون تردید، ستاره‌های آسمان بلند سازمان نظامی ایران، بسیار پرفروغ‌تر از چهره‌های مشهور کنونی هستند.

\* یادداشت مهمان